

وقتی گرانی قاتل خاموش زندگی مشترک می‌شود

# انقراض رمانتیک‌ها



۳۰ اردیبهشت  
روز ملی جمعیت

کیمیا ملکی: آمار ازدواج و طلاق در ایران حالا به بکسی از دقیق‌ترین آینه‌های وضعیت زندگی مردم تبدیل شده است. داده‌های رسمی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد خانواده ایرانی در ۴ دهه گذشته مسیری پر نوسان و پرتنش را طی کرده است. مسیری که از رشد چشمگیر ازدواج در دهه‌های گذشته آغاز شد، در سال ۱۳۸۹ به قله تاریخی رسید و پس از آن وارد سراشیبی شد. همزمان طلاق که زمانی پدیده‌ای محدودتر بود حالا در حوالی مرز ۲۰۰ هزار مورد در سال تثبیت شده است. پشت این تغییرات فقط تحول سبک زندگی یا تغییر نگرش نسل‌ها قرار ندارد و رد پای گرانی مسکن، نااطمینانی شغلی، تورم مزمن و فشارهای اقتصادی نیز به وضوح دیده می‌شود. حال اقتصاد به یکی از عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری یا فروپاشی خانواده تبدیل شده است.

## از جامعه‌ای که زود ازدواج می‌کرد تا نسلی که حساب می‌کند

جایگاه اقتصادی خانواده‌ها دگرگون شده است. در چنین شرایطی، ازدواج برای بسیاری از جوانان تبدیل به تصمیمی شده که نیازمند محاسبه دقیق اقتصادی است. نسل جدید پیش از ازدواج بیش از هر زمان دیگری به مسئله مسکن، درآمد، ثبات شغلی و چشم‌انداز آینده فکر می‌کند. به همین دلیل، فاصله میان میل به تشکیل خانواده و توان واقعی برای اداره آن در بسیاری از موارد بیشتر شده است.

پرنگ‌تری داشتند و فشار اقتصادی برای آغاز زندگی مشترک با امروز قابل مقایسه نبود. بسیاری از زوج‌ها با امکاناتی بسیار ساده‌تر زندگی را آغاز می‌کردند و انتظارها نیز متناسب با همان شرایط شکل می‌گرفت. اما جامعه طی ۴ دهه گذشته تغییرات بزرگی را تجربه کرده است. شهرنشینی گسترش پیدا کرده، سطح تحصیلات افزایش یافته، الگوهای مصرف تغییر کرده و

اگر به نقطه شروع این روایت آماری نگاه کنیم، تصویر کاملاً متفاوتی دیده می‌شود. در سال ۱۳۵۸ حدود ۳۰۲ هزار و ۶۶۷ ازدواج در کشور ثبت شد. در همان سال فقط ۲۱ هزار و ۱۷۰ طلاق به ثبت رسید. این نسبت نشان می‌دهد که ازدواج در آن زمان نه فقط یک انتخاب عاطفی که بخشی طبیعی از مسیر زندگی اجتماعی محسوب می‌شد. هزینه‌های شروع زندگی مشترک به مراتب کمتر بود، خانواده‌ها نقش حمایتی



## دهه ۹۰؛ دهه‌ای که آمارها هشدار دادند

دهه نود را می‌توان نقطه عطفی در تغییر وضعیت خانواده در ایران دانست. در این دهه ۲ روند همزمان شکل گرفت؛ از یک سو ازدواج کاهش پیدا کرد و از سوی دیگر طلاق روندی افزایشی به خود گرفت. داده‌ها نشان می‌دهد تعداد طلاق که در ابتدای دهه ۹۰ حدود ۱۴۲ هزار مورد بود، در سال ۱۳۹۵ به بیش از ۱۸۱ هزار مورد رسید. این افزایش نشان‌های از کاهش تاب‌آوری برخی خانواده‌ها در برابر فشارهای مختلف بود. زندگی مشترک همیشه با چالش همراه است اما وقتی این چالش‌ها با فشار اقتصادی ترکیب می‌شود، مدیریت اختلاف‌ها دشوارتر می‌شود. بسیاری از زوج‌ها با مشکلاتی مانند هزینه‌های سنگین اجاره، بدهی، بیکاری یا درآمد ناکافی روبه‌رو هستند. در چنین شرایطی حتی اختلاف‌های کوچک نیز می‌تواند به بحران‌های بزرگ تبدیل شود. کارشناسان اجتماعی معتقدند که طلاق پدیده‌ای چندعاملی است. اختلافات شخصیتی، تغییر انتظارات، کاهش حمایت‌های خانوادگی و حتی افزایش آگاهی از حقوق فردی نیز در آن نقش دارند. اما اقتصاد اغلب به‌عنوان عامل تشدیدکننده عمل می‌کند. عاملی که فشارهای روانی را افزایش می‌دهد و امکان ترمیم رابطه را کاهش می‌دهد.

## سال ۸۹؛ وقتی ازدواج به سقف تاریخی رسید

در میان تمام سال‌های ثبت‌شده در آمار رسمی سال ۱۳۸۹ جایگاه ویژه‌ای دارد. در این سال ۸۹۱ هزار و ۶۲۷ ازدواج در کشور ثبت شد. عددی که هنوز هم بالاترین رکورد ازدواج در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. آن زمان بسیاری این افزایش را نشان‌های از پویایی اجتماعی و رشد نهاد خانواده می‌دانستند اما آنچه بعدها مشخص شد این بود که این قله بیشتر شبیه آخرین موج بزرگ ازدواج پیش از ورود به یک دوره طولانی کاهش بود. پس از آن سال، روند ازدواج به تدریج نزولی شد. در ابتدا کاهش چندین چشمگیر به نظر نمی‌رسید اما با گذشت زمان مشخص شد که این روند موقتی نیست. کاهش ازدواج در سال‌های بعد بیشتر شد و فاصله میان نسل جوان و تصمیم برای تشکیل خانواده عمیق‌تر شد. بخش مهمی از این تغییر به تحولات اقتصادی برمی‌گردد. افزایش قیمت مسکن، بالا رفتن هزینه‌های زندگی و کاهش قدرت خرید باعث شد بسیاری از جوانان ازدواج را به آینده‌ای نامعلوم موکول کنند. در چنین فضایی ازدواج از یک امکان نسبتاً در دسترس به پروژه‌ای پرهزینه تبدیل شد. پروژه‌ای که برای اجرای آن باید شغل پایدار، درآمد کافی و امید به آینده داشت. وقتی این ۳ عامل همزمان تضعیف می‌شوند، طبیعی است که تصمیم برای ازدواج نیز به تعویق بیفتد.

## طلاق؛ عددی که پایین نمی‌آید

در حالی که ازدواج روندی کاهش داشته طلاق در سطحی نسبتاً بالا باقی مانده است. سال ۱۴۰۰ نقطه‌ای مهم در این روند بود. سالی که آمار طلاق برای نخستین بار از مرز ۲۰۰ هزار مورد عبور کرد و به ۲۰۳ هزار و ۹۰۴ رسید. این روند در سال ۱۴۰۱ نیز ادامه یافت و تعداد طلاق‌ها به حدود ۲۰۴ هزار مورد رسید. هرچند در سال‌های بعد کاهش جزئی مشاهده شد اما طلاق همچنان در نزدیکی همین سطح باقی مانده است. در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۹۴ هزار و ۷۸ طلاق در کشور ثبت شد. وقتی این عدد را در کنار ۴۷۰ هزار ازدواج همان سال قرار دهیم نسبت طلاق به ازدواج نسبت به دهه‌های گذشته به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. این تغییر نشان می‌دهد دوام و پایداری برخی روابط زناشویی نسبت به گذشته شکننده‌تر شده است. البته بخشی از این موضوع به تغییر نگرش اجتماعی نسبت به طلاق نیز مربوط می‌شود. در گذشته بسیاری از جدایی‌ها به دلایل اجتماعی یا فرهنگی پنهان می‌ماند یا ادامه زندگی مشترک با وجود مشکلات ترجیح داده می‌شد. امروز اما در برخی موارد طلاق به گزینه‌ای قابل‌تصور تبدیل شده است.

## ازدواج در سراشیبی

اگر به آمار سال‌های اخیر نگاه کنیم، روند کاهش ازدواج واضح‌تر دیده می‌شود. در سال ۱۳۹۶ هنوز بیش از ۶۱۱ هزار ازدواج در کشور ثبت شده بود اما این رقم در سال‌های بعد کاهش یافت. در سال ۱۴۰۲ تعداد ازدواج‌ها به ۴۸۱ هزار و ۳۹۴ مورد رسید و در سال ۱۴۰۳ نیز حدود ۴۷۰ هزار و ۳۷۲ ازدواج ثبت شد. عددی که یکی از پایین‌ترین سطوح در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. بخش مهمی از این کاهش به مسئله مسکن مربوط می‌شود. در بسیاری از شهرهای بزرگ، هزینه اجاره خانه بخش بزرگی از درآمد یک زوج جوان را می‌بلعد. خرید خانه نیز برای بخش قابل توجهی از جوانان به رویایی دور دست تبدیل شده است. در کنار آن، بازار کار نیز برای بسیاری از فارغ‌التحصیلان ثبات لازم را ندارد. مشاغل موقت، درآمدهای ناپایدار و نبود امنیت شغلی باعث می‌شود برنامه‌ریزی بلندمدت برای زندگی مشترک دشوار شود. تورم مزمن نیز عامل مهم دیگری است. وقتی قیمت‌ها مدام تغییر می‌کند حتی برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت هم سخت می‌شود. در چنین فضایی بسیاری از جوانان ترجیح می‌دهند تصمیم‌های بزرگ زندگی را به تعویق بیندازند. این تأخیر در نهایت خود را در آمار رسمی ازدواج نشان می‌دهد.

## اقتصاد؛ مهمان ناخواسته زندگی مشترک

وقتی از بحران خانواده صحبت می‌شود اغلب نگاه‌ها به مسائل فرهنگی یا تغییر سبک زندگی می‌رود اما بخش مهمی از واقعیت در اقتصاد نهفته است. فشارهای معیشتی می‌تواند روابط انسانی را تحت تأثیر قرار دهد. زوجی که دائماً نگران هزینه‌های زندگی است، فرصت و انرژی کمتری برای حل اختلاف‌ها و تقویت رابطه دارد. فقر یا ناامنی اقتصادی فقط جیب خانواده را خالی نمی‌کند بلکه بر روحیه افراد نیز اثر می‌گذارد. اضطراب، خستگی مزمن، احساس بی‌ثباتی و ناامیدی از آینده می‌تواند فضای عاطفی خانه را تغییر دهد. در چنین شرایطی اختلاف‌های کوچک راحت‌تر به تنش‌های بزرگ تبدیل می‌شوند. به همین دلیل بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند که برای فهم وضعیت خانواده باید به اقتصاد نیز توجه کرد. اگر محیط اقتصادی بی‌ثبات باشد، طبیعی است که نهاد خانواده نیز آسیب‌پذیرتر شود.

## آمار ازدواج در ایران



منبع: مرکز آمار

اینفوگرافی: کیمیا ملکی

## سخن پایانی

آمار ازدواج و طلاق در واقع نبض زندگی اجتماعی را نشان می‌دهند. کاهش ازدواج و ماندگاری طلاق در سطوح بالا نشان می‌دهد خانواده ایرانی با مجموعه‌ای از فشارهای همزمان روبه‌روست؛ فشارهایی که بخشی از آن به تغییرات فرهنگی مربوط می‌شود و بخش مهمی از آن به شرایط اقتصادی بازمی‌گردد. وقتی مسکن گران می‌شود، امنیت شغلی کاهش می‌یابد و آینده اقتصادی مبهم می‌شود، تصمیم‌هایی مانند ازدواج یا ادامه زندگی مشترک نیز دشوارتر می‌شوند. به همین دلیل مسئله خانواده را نمی‌توان تنها با توصیه‌های اخلاقی حل کرد. در نهایت اگر قرار است پیوندهای خانوادگی پایدارتر شوند باید شرایطی فراهم باشد که جوانان با اطمینان بیشتری برای آینده برنامه‌ریزی کنند.

## اعداد سرد، زندگی‌های واقعی

پشت هر عدد ازدواج داستان ۲ نفری وجود دارد که تصمیم گرفته‌اند با وجود همه دشواری‌ها زندگی مشترک را آغاز کنند و پشت هر طلاق زندگی‌ای قرار دارد که به نقطه پایان رسیده است. داده‌های رسمی نشان می‌دهد جامعه ایران از حدود ۳۰۲ هزار ازدواج در سال ۱۳۵۸ به حدود ۴۷۰ هزار ازدواج در سال ۱۴۰۳ رسیده است. در حالی که طلاق از حدود ۲۱ هزار مورد به بیش از ۱۹۴ هزار مورد افزایش یافته است. این تغییرات بازتاب تغییرات عمیق اجتماعی و اقتصادی است. برای درک بهتر این اعداد باید زندگی واقعی پشت آن‌ها را دید. جوانی که به دلیل هزینه مسکن ازدواجش را عقب می‌اندازد، زوجی که زیر فشار بدهی‌ها اختلاف پیدا می‌کنند، یا خانواده‌ای که با وجود چند شغل هنوز نگران هزینه‌های ماهانه است. این‌ها همان داستان‌هایی هستند که در جدول‌های آماری دیده نمی‌شوند.